روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹
تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵
www.sharghdaily.ir
یکشنبه ۱۲ تیر ۱۴۰۱ • ۳ ذی‌الحجه ۱۴۴۳ • ۳ جولای ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۳۱۸ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۹ • اذان مغرب ۲۰:۴۵
اذان صبح فردا ۴:۰۸ • طلوع آفتاب ۵:۵۳

روزنامه شرق

◆ بر اساس اعلام مرکز لرزه‌نگاری کشور، صبح شنبه زمین‌لرزه‌ای در ۳۴ کیلومتری بندر خمیر و ۴۱ کیلومتری بندر کنگ و ۴۸ کیلومتری بندر لنگه و در عمق ۱۰ کیلومتری زمین به وقوع پیوست.
عکس: مجید جمشیدی، ایرنا

دیالوگ روز

روز واقعه - شهرام اسدی - ۱۳۷۳

سعید نیکپور (برادر بزرگ راحله): مسلمانی ما سه نسل است و از او هیچ، آری، اما من از اسلام او بوی تازگی می‌شنوم و از مسلمانی تو تنها بوی غرور جاهلی می‌آید.

ما شصت‌ساله مسلمانیم. این چه تفاخری است که به ایمان خویش می‌کنی؟ که تو اگر مسلمانی از پدر داری، او این گنج به رنج خویش یافته است.

سیمای یک مرد خشمگین

سال‌های سیاه فرانکو

محمود فاضلی
دیپلمات پیشین

ژنرال فرانسیسکو فرانکو (۱۸۹۲-۱۹۷۵) دیکتاتور اسپانیا کمتر از ۱۸ سال داشت که با درجه ستوان‌دومی فارغ‌التحصیل و در ارتش به‌سرعت به مدارج بالا رسید و در ۳۳ سالگی به جوان‌ترین ژنرال اروپا تبدیل شد. در طول آشوب‌های داخلی اسپانیا تا قبل از جنگ داخلی ۱۹۳۶ میلادی، فرانکو با دوری از مسائل سیاسی توانست موقعیت خود را در میان سیاست‌مداران جناح‌های مختلف تثبیت کند. در ۱۹۳۶ در کودتای ارتش، ۲۰ هزار سرباز زبده اسپانیا در مراکش را به کمک دولت‌های فاشیستی آلمان و ایتالیا به نزدیک پایتخت برد و فرماندهی ارتش را به دست گرفت. این جنگ دو سال و نیم دیگر طول کشید و فرانکو توانست سلطه خود را مستحکم کند. در اول اکتبر ۱۹۳۶ شورایی معروف به «خونتای نظامی» تشکیل دادند و فرانکو را به‌عنوان رهبر اسپانیا معرفی کردند. در پایان جنگ در ۱۹۳۹، بیش از ۲۰۰ هزار نفر کشته شده بودند و فرانکو تا ۳۳ سال بعد یعنی تا ۱۹۷۵ دیکتاتور اسپانیا باقی ماند. در سال ۱۹۴۷ تحت فشارهای داخلی و خارجی قانونی به نام «قانون جانشینی» نوشت و حکومت اسپانیا را پادشاهی اعلام کرد و فرانکو سمت نیابت سلطنت را به دست آورد. بر اساس این قانون، جانشین فرانکو باید یکی از افراد خاندان سلطنتی باشد که توسط خود وی انتخاب شود و در صورت مرگ یا بیماری فرانکو، زمام امور را به دست گیرد.

کمک‌های نظامی آمریکا به دیکتاتور

فرانکو که عملا از فردای جنگ دوم جهانی منزوی شده بود، از دوران جنگ سرد استفاده کرده و حتی بدون اینکه کمترین تضمینی برای برقراری دموکراسی در کشور خود بدهد، خود را در بلوک غرب جای داد. این کشور از سال ۱۹۴۹ از کمک‌های مالی آمریکا برخوردار بود و در سال ۱۹۵۳ با عقد قراردادهای نظامی با آمریکا میزان کمک دریافتی خود را دو برابر کرد. از اواخر ۱۹۵۰ تحرک اقتصادی اسپانیا آغاز شد. از سال ۱۹۶۰ تا اوایل دهه ۱۹۷۰ اسپانیا از بزرگ‌ترین نرخ رشد در جهان برخوردار بود. این جهش بر اساس کمک‌های خارجی به‌ویژه آمریکا و درآمدهای توریستی و ارزهایی استوار بود که کارگران مهاجر اسپانیا به این کشور می‌فرستادند. این پیشرفت اقتصادی، هیچ‌گاه همه ملت به‌ویژه روستاها را از مواهب خود برخوردار نکرد. رژیم دیکتاتوری متکی به ارتش، پلیس و کلیسای سنتی به راه خود ادامه می‌داد. عدم تحرک و خفقان، نوعی سیاست قلمداد می‌شد. رژیم فرانکو یک دیکتاتوری انعطاف‌پذیر سوسیالیستی مصلحت‌گرا و فرصت‌طلب بود. هرچند در دهه ۶۰ فشار بر مردم اسپانیا کمتر شد اما در طول سال‌های سیاه سلطه فرانکو همیشه فضای اختناق و عوام‌فریبی وجود داشت. احزاب به نهادهای دولتی تبدیل شدند. روزنامه‌ها زیر تیغ سانسور محافظه‌کارانه، یکی‌یکی بسته شدند. فقر و گرسنگی بیداد می‌کرد و بی‌سوادی در حال گسترش بود. بسیاری از هنرمندان، دانشمندان و نخبگان جلای وطن کردند.

حمایت رژیم پهلوی از دیکتاتور اسپانیا

سیاست سرکوب مردم اسپانیا از سوی فرانکو با حمایت رژیم پهلوی در ایران همراه بود. اسدالله علم وزیر دربار محمدرضا پهلوی در خاطراتش از فرانکو چنین یاد می‌کند: «فرانکو، رئیس کشور اسپانیا، امر داد پنج نفر را که متهم به قتل یک پلیس اسپانیا بودند، تیرباران کنند. دنیا علیه این تصمیم قیام کرد ولی او کار خودش را کرد. این است معنی کشورداری». او در جای دیگری از خاطراتش می‌گوید: «از اخبار مهم جهان یکی تشکیل جلسه مجدد هیئت دولت اسپانیا به ریاست ژنرال فرانکو است که تصمیم گرفت به‌رغم تمام انعکاسات دنیایی، قانون اعدام کسانی که مرتکب قتل افراد پلیس می‌شوند، به‌طور اتوماتیک کماکان اجرا شود. دنیا هر... می‌خواهد بخورد. به نظر من این است معنی حکومت‌کردن». در مدت چند سال، سه کشور اروپای جنوبی (پرتغال، یونان و اسپانیا) که با دیکتاتوری اداره می‌شدند، به اردوگاه دموکراسی کشیده شدند. در اسپانیای فرانکو، این روند چندان به دراز نکشید. خوان کارلوس که پادشاه اسپانیا شد، کشورش را بدون مواجهه با مشکلات فراوان به سوی دموکراسی کشانید. بعد از یک دوره کوتاه، استحاله نظام آزادی‌خواه در سال ۱۹۷۶ تحقق یافت. احزاب مخالف ازجمله حزب کمونیست در سال ۱۹۷۷ توانستند برای اولین بار از سال ۱۹۳۶ در انتخابات شرکت کنند. قانون اساسی ۱۹۷۸ اسپانیا با وجود گرایش شدید به فرانکیسم، گرایش دموکراتیک مورد نظر اکثریت بزرگ مردم اسپانیا را تأیید کرد.

قربانیان دیکتاتوری فرانکو

در طول جنگ داخلی اسپانیا و دوران دیکتاتوری ۴۰ ساله فرانکو در حدود ۱۴۳ هزار و ۳۵۳ نفر مفقود شدند. اسپانیا پس از کامبوج دومین کشور جهان از نظر شمار مفقودشدگان است. دولت سابق اسپانیا برای نخستین بار نزد کمیته ناپدیدشدگان اجباری سازمان ملل مورد پرسش قرار گرفت. در گزارش نهایی، سازمان ملل نگرانی خود را نسبت به بی‌پناه‌بودن قربانیان دیکتاتوری فرانکو ابراز کرده و از دولت اسپانیا و قضات آن خواسته است درباره ناپدیدشدن افراد در دوران جنگ داخلی و دیکتاتوری فرانکو (۱۹۳۶ تا ۱۹۷۵) تحقیق کنند. وکلای دولت وقت اسپانیا در این رابطه استدلال کرده بودند که به دلیل فوت مسئولان این اقدامات، قانون مرور زمان جرم و قانون عفو عمومی سال ۱۹۷۷ اسپانیا، تحقیق در مورد ناپدیدشدن غیرممکن است اما این استدلال‌ها، سازمان ملل را متقاعد نکرد. دو سال پس از مرگ فرانکو، قانون «قانون عفو عمومی» به تصویب پارلمان رسید که طبق آن، پرونده مربوط به جرائم سیاسی و قتل‌هایی که از زمان جمهوری دوم (۱۹۳۱ تا ۱۹۳۹) و در طول عمر رژیم فرانکو تا بیستم نوامبر ۱۹۷۵ صورت گرفته بود، برای همیشه مختومه اعلام شد! سازمان ملل از دولت اسپانیا خواسته بود قانون مرور زمان از هنگامی اجرا شود که فرد مفقود یا آثار او یا هویت وی را پیدا کنند و اطمینان بدهد که سرنوشت همه ناپدیدشدگان اجباری را به‌طور گسترده و بی‌طرفانه و جدا از اینکه در چه زمانی مرگ آنها رخ داده است، مورد تحقیق قرار خواهد داد. از دیدگاه کمیته ناپدیدشدگان اجباری سازمان ملل، عاملان این جرائم باید محاکمه و بر اساس سنگینی جرم آنها، مجازات شده و خانواده‌های قربانیان نیز «غرامت مطلوب» دریافت کنند. بر اساس قانون عفو سال ۱۹۷۷، تمامی احزاب سیاسی اسپانیا توافق کردند مسائل مربوط به دوره دیکتاتوری ژنرال فرانکو نادیده گرفته شود. اسپانیا بارها اعلام کرده با وجود درخواست‌های سازمان ملل، عفوی را که این کشور درباره جرائم سیاسی مربوط به جنگ داخلی دهه ۱۹۳۰ و ژنرال فرانکو دیکتاتور سابق این کشور اعمال کرده است، مورد بازنگری قرار نخواهد داد. منتقدان داخلی و خارجی مدعی‌اند هزاران قربانی همچنان در گورهای نامشخص مدفون هستند و با وجود سپری‌شدن بیش از هفت دهه از آن زمان، خانواده‌هایشان همچنان از مکان دفن آنها بی‌خبرند.

آیا زلزله‌های هرمزگان طبیعی است؟

مهدی زارع

رخداد چهار زلزله با بزرگای بیش از پنج در بامداد ۱۱ تیر ۱۴۰۱ در نزدیکی روستای سایه‌خوش که بین بندر خمیر و بندر کنگ واقع است، با رخداد اولین زمین‌لرزه در ساعت ۲:۰۲ با بزرگای ۶.۰ و بلافاصله پس‌لرزه‌ای با بزرگای ۵.۰ در ساعت ۲:۱۷ بامداد حس شد. ساعتی بعد در ۳:۵۴ و ۳:۵۵ بامداد دو زلزله دیگر با بزرگاهای ۵.۷ و ۶.۲ در مجاورت سایه‌خوش رخ داد که با توجه به جریان مداوم زلزله به نظر می‌رسد کارشناسان برای بررسی آسیب‌های احتمالی به اماکن تاریخی استان در حالت آماده‌باش درآمدند. دست‌کم پنج نفر کشته شدند و ۱۲ نفر در بیمارستان بستری شدند. ژرفای این زمین‌لرزه‌ها نیز در حد ۱۰ کیلومتر گزارش شد که ژرفای کمی است. یک پرسش آن است که آیا فعالیت انسان مانند استخراج نفت و گاز می‌تواند در تحریک وقوع زلزله‌ها در این منطقه مؤثر باشد؟ در سال‌های اخیر اوکلاهاما در ایالات متحده به یکی از فعال‌ترین مناطق لرزه‌ای در آمریکا تبدیل شده است. با توجه به اینکه این ایالت در لبه دشت‌های بزرگ و «به دور از مرز ورقه‌های زمین‌ساختی» قرار دارد، لرزه‌خیزی بالای آن شگفت‌آور است. سال ۲۰۱۵ با بیش از ۸۰۰ زمین‌لرزه به بزرگای ۳ یا بیشتر، استثنائی بود. این در تضاد با دوره قبل از سال ۲۰۰۹ است که تنها یک زلزله بزرگ‌تر از ۴ در هر ۱۰ سال ثبت می‌شد. بهره‌برداری از نفت و گاز در آن ناحیه به عنوان عامل اصلی شناخته می‌شود. عمده‌ای از فعالیت‌های لرزه‌ای ناشی از تزریق مقادیر انبوه فاضلاب به زیر سطح است. آب از تولید نفت و گاز در مخازن شیل منشأ می‌گیرد؛ جایی که از روش‌های استخراج غیرمتعارف، ازجمله شکستگی هیدرولیکی استفاده می‌شود. در سال ۲۰۱۶ کاهش -نسبی- لرزه‌خیزی با ثبت تنها ۶۰۰ زمین‌لرزه مشاهده شد. در همین مدت سه زمین لرزه با بزرگای بیش از ۵ رخ داد که خسارت مادی به بار آورد. در سپتامبر ۲۰۱۶ زلزله با بزرگای ۵.۸، قوی‌ترین زمین‌لرزه ثبت‌شده در اوکلاهاما بود. نقشه‌برداری با دقت بالا و اندازه‌گیری تغییرشکل سطح زمین ناشی از زلزله، با تحلیل مشترک داده‌های راداری و لرزه‌نگاری نشان می‌دهد که لغزش در هنگام زمین‌لرزه به حداکثر ۴۰ سانتی‌متر در ژرفای بین ۴ تا ۹ کیلومتری رخ می‌دهد. در عین حال برقراری ارتباط بین تزریق سیال و آغاز فعالیت لرزه‌ای ساده نیست. درواقع، فاضلاب به داخل پوشش رسوبی در اعماق بین دو تا سه کیلومتری تزریق می‌شود که به طور محسوسی کم‌ژرفاتر از چشمه زلزله‌هاست. رویدادهای زلزله‌ها در اوکلاهاما در ژرفای ۴ تا ۵ کیلومتری آغاز شده و سپس به سمت پایین و تا ژرفای ۹ کیلومتری گسترش می‌یابد، بدون اینکه هرگز به سمت سطح زمین توسعه یابد. در نتیجه، با این فرض محتمل که زلزله توسط تزریق فاضلاب ایجاد شده است، به نظر می‌رسد اغتشاش ناشی از این تزریق سیال می‌تواند از راه دور یک گسل لرزه‌ای را بی‌ثبات کند. دو توضیح فیزیکی را می‌توان برای توضیح چنین تحریک از راه دور ارائه داد. اول، تغییرات در فشار سیالات به دام افتاده در سنگ میزبان را می‌توان از طریق محیط انتقال داد، با استفاده از شکستگی‌های طبیعی پوسته گردش سیال تسهیل می‌شود. سیالات تحت فشار ناشی از تزریق ممکن است مایعات دیگری -دورتر از نقطه تزریق- را تحت فشار قرار داده و آنها را مجبور به مهاجرت به بیرون کند. با گذشت زمان، یک «موج» فشار در دایره‌های متحدالمرکز اطراف چاه‌های تزریق گسترش می‌یابد و در نهایت باعث افزایش فشار میان‌بافتی درون گسل‌های لرزه‌ای اطراف می‌شود. سازوکار دیگر شامل تمایل سنگ‌ها به تغییر شکل الاستیک تا شکستگی و رخداد زلزله، در بازه‌های زمانی کوتاه (از چند روز تا چند ماه) در اطراف نقاط تزریق به دلیل فشار سیال است و در نتیجه به‌طور غیرمستقیم بر سیالات اثر می‌گذارد. سنگ‌های «فشرده» (حتی اندک) شبیه یک اسفنج، مایعاتی را آزاد می‌کنند که در نهایت به سمت مناطق کم‌تنش‌تر اطراف مهاجرت می‌کنند. این مهاجرت سیال همچنین می‌تواند زمین‌لرزه ایجاد کند. لرزه‌خیزی القایی ناشی از عملیات نفتی در منطقه تنگه هرمز احتمال کمی دارد؛ چراکه حوزه عملیات نفتی در ژرفا، از ژرفای ثبت‌شده زمین‌لرزه‌ها بسیار دور است و ضمنا زلزله‌های هرمزگان در لبه ورقه لرزه‌زا، در مرز جنوب زاگرس قرار گرفته و بنابراین توجیه کافی برای لرزه‌خیزی آن، صرفا به دلایل زمین‌ساختی وجود دارد ولی با توجه به تجربیات بین‌المللی مانند اوکلاهاما آمریکا، می‌توان در حوزه‌های نفتی در مورد لرزه‌خیزی القایی بررسی‌های مفصلی انجام داد.

زیر آسمان شهر

آثار منفی کنکور

حسین معافی
مدرس دانشگاه

یکی از مشکلات آموزشی کشور و عدم دستیابی به اهداف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، مسئله کنکور و مؤسسات کنکوری و آزمون‌های ورودی مدارس خاص هستند که به جای یادگیری معنی‌دار و عمیق مطالب، مهارت‌های تست‌زنی و راه‌های میان‌بر را به دانش‌آموزان نشان می‌دهند. کنکور فقط به حیطه دانشی آن هم در سطوح پایین یادگیری و حفظیات تمرکز دارد و دانش‌آموزان را از پرداختن به سایر حیطه‌های مهارتی و نگرشی محروم می‌کند. به طوری که بیشتر افراد قبول‌شده در کنکور توانایی لازم برای حل تشریحی مسائل و توضیح موضوعات علمی را ندارند و فقط راه‌حل‌های تستی را می‌دانند. این موضوع آموزش در کشور را با مشکل روبه‌رو کرده و شادابی و طراوت را از مدارس گرفته، دانش‌آموزان را از درک واقعی موضوعات و مفاهیم علمی دور کرده است و بیشتر به حفظ مطالب می‌پردازد. اگرچه برخی محتوا و موضوعات درسی در دوران تحصیل دانش‌آموزان کاربردی و یادگیری مهارت‌ها را مدنظر دارد، ولی سایه سنگین کنکور باعث شده دانش‌آموزان به این دروس که در کنکور نمی‌آیند، اهمیت ندهند و توجهی به یادگیری این دروس مهم و کاربردی نکنند. آمارها نشان می‌دهد حدود ۸۰ درصد رتبه‌های برتر کنکور از سه دهک بالای جامعه هستند و در مدارس خاص (نمونه و تیزهوشان) تحصیل می‌کنند. هزینه‌های سنگین آزمون‌ها، کلاس‌ها و مشاوره‌های مؤسسات کنکوری باعث شده دانش‌آموزانی که بضاعت مالی مناسبی ندارند، نتوانند در این آزمون‌ها و کلاس‌ها شرکت کنند و از بقیه رقبای خود جا بمانند. هزینه‌های سنگین کلاس‌های کنکوری عدالت آموزشی را هم زیر سؤال می‌برد و در بسیاری از شهرهای دور از مرکز و روستاهای دورافتاده، دانش‌آموزان دسترسی به این کلاس‌ها ندارند و عملا در این رقابت بزرگ علمی موفق نخواهند شد. موفقیت در رشته‌های پزشکی، پیراپزشکی و مهندسی‌ها توقعاتی است که خانواده‌ها از فرزندان خود دارند که این امر اضطراب و استرسی را هم به دانش‌آموزان و هم به خانواده‌ها وارد می‌کند که باعث بروز مشکلات جسمی و روحی خواهد شد. مسلما بروز آسیب‌های روحی خطرناک‌تر از آسیب‌های جسمی است و می‌تواند دانش‌آموزان را در سال‌های بعد نیز دچار مشکل کند و بقیه فعالیت‌های زندگی آنها را نیز تحت تأثیر قرار دهد.

یادگیری به سبک کنکوری و تلاش برای مهارت تست‌زدن، دانش‌آموزان را تک‌بعدی تربیت می‌کند و از یادگیری سایر مهارت‌های زندگی دور می‌کند. این موضوع می‌تواند آسیب‌هایی را در دوران قبل از کنکور، تحصیل در دانشگاه و حتی بعد از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه، به دنبال داشته باشد. مثلا پزشکی که مهارت گوش‌دادن، مهارت برقراری ارتباط، مهارت کنترل خشم، مهارت گفت‌وگو و مهارت نقدپذیری را ندارد، هرچند هم که حاذق باشد، در کارش موفق نخواهد شد. کم‌رنگ‌شدن جایگاه مدارس دولتی و کم‌اهمیت‌شدن کلاس‌های درس مدارس و معلم مدرسه به واسطه کلاس‌های کنکور، مشکل دیگری است که مافیای کنکور و مؤسسات کنکوری به آن دامن می‌زنند و آموزش و پرورش باید به این موضوع ورود کرده و با تقویت مدارس دولتی این مشکل را حل کند. علاوه بر دانش‌آموزان، خانواده‌های آنها نیز در سال‌های منتهی به کنکور دغدغه‌ها و چالش‌های فراوانی دارند و فضای زندگی آنها در این سال‌ها متفاوت خواهد بود و به جز هزینه‌های مالی فراوان، مجبور به تحمل مشکلات زیادی هستند. کنکوری که در عرض چند ساعت سرنوشت تو را رقم خواهد زد و فقط مهارت تست‌زنی تو را می‌سنجد و از سایر مهارت‌ها غافل است، استرس و اضطرابی را در پی خواهد داشت که همه افراد شرکت‌کننده در کنکور را تحت تأثیر قرار می‌دهد و آسیب‌هایی را به دنبال خواهد داشت. قبول‌نشدن در کنکور هم حس ناامیدی را تقویت می‌کند و آینده را تاریک و مبهم خواهد کرد. نداشتن مهارت‌های لازم در زندگی به واسطه کنکور، دانش‌آموزان را بیش‌ازپیش ناامید می‌کند که آینده خوبی نخواهند داشت و چون مهارت‌های ضروری را بلد نیستند، آنها را به انزوا و گوشه‌گیری می‌کشاند و از آینده ناامید می‌شوند که این امر شادابی و نشاط را در جامعه از بین خواهد برد. رتبه‌های برتر کنکور نیز گاهی اوقات دچار غرور و خودبرتربینی می‌شوند و توقعات بالایی که خانواده، اقوام و جامعه از آنها دارند، باعث بروز چالش‌هایی برای آنها می‌شود و با همه زحمات، تلاش‌ها و هزینه‌هایی که کرده‌اند، احساس می‌کنند با قبولی در دانشگاه‌های معتبر و رشته مورد علاقه خود به قبله آمال خویش نرسیده‌اند و دچار افسردگی شده و با تغییر رشته یا فکر مهاجرت خود را آرام می‌کنند. امید است با توجه به تغییراتی که در کنکور سال‌های بعد لحاظ شده، ازجمله تأثیر ۶۰ درصدی سوابق علمی (معدل امتحان نهایی پایه دوازدهم) و حذف دروس عمومی و برگزاری دو بار کنکور در سال، بسیاری از این مشکلات کاهش پیدا کند و کم‌کم با حذف تدریجی کنکور یا کم‌رنگ‌شدن آن در بسیاری از رشته‌ها شاهد رشد و شکوفایی بیشتری در عرصه‌های علمی کشور باشیم و با جلوگیری از مهاجرت نخبگان و دانشمندان و رتبه‌های برتر کنکور و تحول در امر آموزش و یادگیری عمیق و معنی‌دار مفاهیم و موضوعات کاربردی بتوانیم قله‌های علم و دانش را در جهان فتح کنیم.

هنرخوانی

نهاد مدنی ضرورت حکمرانی در عصر ما

سیدمحسن هاشمی
کارشناس فرهنگی

امروزه روز، شاخص جوامع انسانی پیشرفته وجود سه ضلع، دولت، بخش خصوصی و نهادهای مردمی است. جوامع مبتنی بر ساختار قدیمی دولت، مردم منسوخ و ناکارآمدی‌شان در نمایندگی از اراده مردم آشکار و چندان نیازی به پژوهش ندارد. سپهر فرهنگ و هنر که شاغلانش به برکت حسگرهای عمیق و حساسشان بیشترین توانایی در اثرگذاری در افکار عمومی را دارا هستند، کمترین توجه به نسبت سایر مشاغل در امکان مشارکت در سرنوشت کسب‌وکارشان را از سوی حکومت داشته‌اند! آنچه در این مقاله در چهار قسمت پیش‌روی شماست، تجربه ۳۰ سال کارشناسی و مدیریت میانی در سپهر فرهنگ و هنر و دانشجویی دانش سیاسی است. در این نوشته نخست به ضرورت تشکیل نهاد مدنی و در بطن آن نظام صنفی هنر پرداخته می‌شود. آن‌گاه پیشینه اقدامات در این عرصه از نظر گذرانیده و سپس مفهوم و اصطلاح هنر و تقسیم‌بندی رایج و کاربردی آن به‌طور مختصر بیان می‌شود. سپس به ویژگی‌های هر یک از هنرهای تجسمی، موسیقی، ادبیات، نمایش و سینما پرداخته می‌شود و دست آخر مستند به اصل بیست‌وهشتم میثاق ملی بر ضرورت تشکیل نظام‌های صنفی هنری همچون سایر نظام‌های موجود پزشکی، مهندسی، رایانه‌ای و... تأکید خواهد شد.

- زندگی اجتماعی آدمیان خواسته و ناخواسته زیر سیطره سیاست و قدرت ناشی از آن است. بشر برای ایجاد نظم و امنیت به منظور پیشگیری از تزاحمات و زیاده‌خواهی‌های همنوعانش، ناگزیر بخشی از اختیار خدادادی‌اش را در قالب نظام سیاسی و اقتدار برآمده از آن واگذار می‌کند. این واگذاری، موجب ظهور ابرقدرت نهاد اجتماعی، دولت می‌شود؛ رفته‌رفته این ابرنهاد اجتماعی (دولت)، به قاعده قدرت، بیش از آنچه در آغاز لازم و بالضروره بوده، خود را بر اراده آدمی، تحمیل و رفتاری به مقتضای اراده قدرت از او طلب می‌کند. تجارب بشری برای پیشگیری از مداخلات بی‌حدوحصر دولت‌ها که مآلا کرامت انسانی را نشانه می‌گیرد، آدمیان را رهنمون شده تا با تشکیل نهادهای مردمی در کنار بخش خصوصی و دولت به تحقق ظرفیت‌های ملت در پیشبرد عدالت و کرامت انسانی بیفزایند.

- ساختار امروزین جوامع انسانی متشکل از:

*دولت، آحاد مردم و بخش خصوصی و نهادهای مدنی. نهاد مدنی به سازمان‌هایی در راستای ایجاد و افزایش قابلیت و گسترش ظرفیت در توسعه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در کشور گفته می‌شود.

- وظیفه دولت: تأمین امنیت، زیرساخت ارتباطات و خدمات، انتظام‌بخشی امور و داوری بین تزاحمات است.

هدف بخش خصوصی: تولید و عرضه محصول با هدف انتفاع شخصی است.

- هدف نهاد مدنی: گردآوری مطالبات، اولویت‌بندی نیازها و ارتقای درک جامعه از موضوع هدف تشکیل به‌منظور تنظیم مطالبات با مأموریت دولت و بخش خصوصی با هدف رشد و توسعه و عدالت است.

- انواع نهادهای مدنی عبارت‌اند از احزاب و جمعیت‌های سیاسی، انجمن‌ها و تشکل‌های صنفی، انجمن‌های خیریه اجتماعی، انجمن‌های علمی و هنری.

به‌طور کلی نهادهای مدنی هدف پایش محیط، گردآوری و اولویت‌بندی مطالبات و افزایش آگاهی جامعه از موضوعی که برای آن تشکیل شده‌اند، دارند. مشخصه گوهرین این نهادها، غیردولتی‌بودن و نبود وابستگی تشکیلاتی به نهادهای دولتی است. به موجب اصل بیست‌وششم قانون اساسی، فعالیت احزاب و انجمن‌های صنفی در چارچوب قانون آزاد است. امروزه حکمرانی در سطح ملی و جهانی دارای ابعاد و چالش‌های تازه‌ای شده است. بی‌شک، اشکال قدیمی حکمرانی به‌طور فزاینده‌ای ناکارآمد شده‌اند. سازمان‌های سلسله‌مراتبی از بالا به پایین دیگر اثرگذاری پیشین را ندارند و بدین‌ترتیب ناکارایی مدیریت و ساختاری آنها به خوبی آشکار شده است. جهان امروز ما دستخوش فرایندی از تغییرات ساختاری در ابعاد فناوری، اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و سازمانی در سطح جهانی است. مواجهه امروز ما با این امر، چه در سطح ملی و چه در سپهر جهانی می‌تواند زمینه‌ساز فرصت‌ها و تهدیدات بسیاری شود. اغلب مشکلات و آسیب‌های امروزمان ناشی از چگونگی مواجهه با بحران‌های نهادها و مؤسسات اداره‌کننده کشور و همچنین مؤسسات بین‌الملل در این دوران است. وجود و گسترش نهادهای مدنی ازجمله سازمان‌های نظام صنفی، چه در عرصه ملی و چه در سپهر بین‌المللی می‌تواند به حل این مشکلات پیش‌گفته فائق آید. ما ناگزیر از جهانی‌شدنیم؛ تجارت جهانی، بازارهای مالی جهانی، تولید و مدیریت عرضه کالا و خدمات بین‌المللی، نقش برجسته ساختار رسانه‌های جهانی در تولید و مخابره خبر، فناوری ارتباطات و مفاهیم جهانی نظیر عدالت اجتماعی و حقوق بشر و... شواهدی بر سرنوشت مشترکمان در جهانی‌شدن است. همین شواهد دلیل لازم و کافی برای حضور نهادهای مدنی در سپهر جهانی است. نهادهای مدنی برخلاف نمایندگان سیاسی مستقر در دولت‌ها و نیز احزاب سیاسی، به میزان بیشتری محبوبیت مردمی دارند. تمرکز این سازمان‌های مردم‌نهاد بر روش‌های عملی و کم‌هزینه در همبستگی انسانی و مسائل حیات جامعه است. در دنیای پیچیده امروز نوآوری، خلاقیت و راه‌حل‌های جمعی و مشارکتی مورد اقبال است. این راه‌حل‌های نوآورانه با حضور مؤثر نهادهای قدرتمند مدنی در سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی‌های ملی و فراملی فراهم می‌شود. بازیگران غیردولتی چه در سطح ملی و چه در سطح جهانی به عنوان صدای رسا و بی‌واسطه شهروندان منافع و ارزش‌های جمعیت انسانی بزرگ‌تری را می‌توانند نمایندگی و از آنها دفاع کنند. البته در این فرایند، نقش انحصاری دولت‌ها کمرنگ می‌شود. بر این اساس ما ناگزیر برای اداره کارآمد یک کشور (سطح ملی) شاهد سه نیروی دولت، نهادهای مدنی و بخش خصوصی هستیم که این هر سه با یکدیگر، حاکمیت را معنا می‌کنند. این سه نیرو در توازنی درست به امکان ایجاد عدالت و پیشرفت کمک می‌کنند. به این ترتیب بازطراحی ساختار قدرت و تصمیم‌سازی‌ها از مدل قدیمی یا دوگانه دولت- بخش خصوصی به سوی توازن سه نیروی دولت، نهاد مدنی و بخش خصوصی و کارآمدی حکومت‌های دوران معاصر را نوید می‌دهد. از سوی دیگر در فضای جهانی نیز حضور نهادهای مدنی فراملی در کنار دولت‌ها و سازمان‌های دولت‌محور و شرکت‌های جهانی می‌تواند به توازن‌بخشی به تصمیم‌سازی‌های درست برای اجرای عدالت کمک مؤثری کند.